

احکام دود!

روح‌الله حبیبیان

شاید چند صد سال پیش، وقتی اقوام بومی آمریکای جنوبی به طور اتفاقی متوجه شدند که با پیچیدن برگ خشک برخی گیاهان مانند توتون و آتش زدن آن و فرو بردن و بیرون دادن دود فراوان آن تا حدی کیف‌شان کوک می‌شود و اندکی شنگول می‌شوند (مراجعه به صفحه ۱۹ و ۱۸)، هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند این کشف بی‌ارزش روزی تبدیل به صنعت بزرگی به نام «دخانیات» شود.

به هر حال چه بخواهید و چه نخواهید در دنیای امروز با حقیقتی به نام دخانیات و انسان‌های بی‌شماری از اصحاب دود مواجهیم که البته اگر اهل «دود و دم» را هم به آن ضمیمه کنیم متوجه می‌شویم طرف حساب ما غولی است بی‌شاخ و دم که نه تنها هفت سر بلکه هفتاد سر در زندگی بشر بلند کرده و به این آسانی‌ها نمی‌توان حریف آن شد.

ردیف اتهام

ابتدا لازم است اصحاب دود را در دسته‌بندی و بعد هر کدام را تفهیم اتهام کرده به میزان جرائم هر یک بپردازیم:

دسته اول معتادان به مواد مخدر هستند که از همه جهت حساب‌شان از اصحاب دیگر مواد دخانی جداست. **دسته دوم** اصحاب مواد دخانی غیر مخدر مانند اصحاب سیگار و قلیان و امثال آن هستند.

از نظر دیگر هر دو گروه ذکر شده خودشان به دسته‌های معتاد (یعنی کسانی که به قول معروف خراب «چیز» و دود هستند و بدون استفاده از این زهرماری‌ها اوضاع و احوال‌شان «مگسی» می‌شود) و غیر معتاد (یعنی افرادی که از سر هوس و دلخوشی و تفنن لب به مواد یا سیگار می‌زنند و به خیال خودشان هر وقت خواستند نمی‌کشند) تقسیم می‌شوند که استعمال مواد این دو دسته گاهی حکم متفاوتی پیدا می‌کند.

هم حلال هم حرام؟!

از نظر شرعی در مورد مواد مخدر خطرناکی که



شش آنها دود بی درمان رفت و آمد کند برای این بدن بیچاره‌شان ضرر دارد یا خیر؟
به علاوه برخی از مراجع که فتوا به حرمت سیگار نداده‌اند تأکید می‌فرمایند که فرض جواز مربوط به وضعیت عدم اعتیاد است.
یکی دیگر از مراجع در این مورد می‌فرمایند: «(کشیدن سیگار) چنانچه موجب اعتیاد شود جایز نیست» در نتیجه اگر هم بحث جواز و تردید در ضرر عرفی و عقلایی مطرح باشد مربوط به اهل تفنن و به قول معروف «عشقی‌کش» هاست نه کسانی که سیگار جزء لاینفک وجودی‌شان شده!

خودآزارهای مردم‌آزار

همه آنچه گفته شد در خصوص حکم شرعی استعمال خود سیگار یا انواع دیگر دخانیات بود، اما هر عملی ممکن است عناوین جدیدی پیدا کند و حکم متفاوتی را هم به همراه داشته باشد. مثلاً سیگار کشیدن بسیاری از افراد به خودی خود هر حکمی داشته باشد یقیناً موجب اذیت و آزار جدی برای بسیاری از افراد دیگر خواهد بود که بر این اساس این عمل مصداق آزار و اذیت دیگران محسوب می‌شود که حرام است.
حتی برخی از مراجع در این رابطه تأکید می‌فرمایند: «اگر سیگار کشیدن موجب اذیت و آزار دیگران و تضییع حق دیگران باشد جایز نیست» در نتیجه سیگاری جماعت همان بهتر که در دستشویی‌های متروکه یا گوشه پرت بیابان سیگار بکشد تا علاوه بر خودآزاری گرفتار گناه مردم‌آزاری هم نشود.
از نظر دیگر همین پول بی‌زبانی که صرف خرید این دود بی‌خاصیت می‌شود در برخی موارد یقیناً از نظر عقل «اسراف» و هدر دادن پول محسوب می‌شود که حرام است.
پس کسانی که روزی چند بسته سیگار مصرف می‌کنند و چند هزار تومان پول ناقابل را دود و فضای پیرامون خود را آلوده می‌کنند و با یک حساب سر انگشتی لااقل سالانه چند صد هزار تومان را همین‌طور هدر می‌دهند و یقیناً برخی از این موارد حرام و خلاف شرع محسوب می‌شود.

عقلاً ضرر قابل توجه یا به اصطلاح «معتابه» محسوب نگردد. (اسم مفعول باب افتعال از ماده «عَتَى» یعنی اعتنا شده به او)
فرض کنید خوردن نوشابه فوایدی دارد. مانند رفع تشنگی یا لذت بردن از طعم و مزه آن؛ اما مسلماً این هدف با چیزهای دیگر هم تأمین می‌شود. در عین حال همه می‌دانیم که نوشابه‌های گازدار دارای مضرات و عوارض احتمالی جسمی نیز می‌باشند، اما این ضررها در عرف جامعه آن قدر زیاد و شدید محسوب نمی‌شود که خوردن یک لیوان نوشابه در نظر توده مردم کاری غیر عقلانی و یا غیرمعتارف به حساب بیاید. پس این ضرر، ضرر قابل اعتنای عرفی محسوب نمی‌شود.

حکم نهائی متهمان

در نتیجه هر چند اصل اولیه در خصوص سیگار و دخانیات جواز است. اما اگر ضرر این مواد ضرر قابل توجه محسوب گردد طبق نظر همه مراجع سیگار و قلیان و چپق و پیپ را باید غلاف کرد و از زمره اهل دود خارج شد و تشخیص این مسئله که سیگار یا قلیان یا دو مورد مشابه دیگر ضرر قابل توجه دارد یا خیر بر عهده خود افراد است.
البته اگر احیاناً برای مرجعی یقین حاصل شود که مثلاً ضرر سیگار ضرر غیر قابل گذشت و مخالف با نظر شرع است در خصوص آن فتوا می‌دهد و رسماً اعلام می‌نماید همان‌طور که در زمان حاضر آیت الله مکارم شیرازی به صراحت استعمال سیگار و انواع دخانیات را در هر حد و اندازه‌ای باشد حرام اعلام کرده‌اند.
اما اکثر مراجع دیگر حرمت این مسأله را مشروط به ضرر جدی داشتن آن کرده‌اند. البته دقت در عبارات مراجع نشان می‌دهد که سیگاری‌های محترم باید قدری جدی‌تر به این مسأله نگاه کنند و نمی‌توانند با ایشالا ماشالا مسأله را حل کنند؛ مثلاً یکی از مراجع در این باره می‌فرماید:
«اگر در کشیدن سیگار گمان به ضرر دارد یا احتمال عقلانی بدهد جایز نیست».
دیگر آدم دودی‌های عزیز می‌دانند و عقل و انصاف‌شان؛ این که مثل دودکش کارخانه مدام از نای و

می‌شناسیم فقها حکم به حرمت استفاده از آنها داده‌اند؛ حتی اگر به شکل تفننی و تفریحی باشد.
اما در مورد کشیدن مواد دخانی، اختلافی بین فقها وجود دارد؛ دلیل این مسأله آن است که یقیناً در زمان معصومین چیزی به نام دخانیات وجود نداشته؛ پس روایتی هم در جواز یا حرمت آن نداریم. در نتیجه فقیه باید براساس اصول و مبانی فقهی که آن هم از برخی روایات گرفته شده در مورد حکم شرعی این مسأله فتوا بدهد.
از نظر اصول و قواعد فقهی هم این کار جایز و حلال خواهد بود زیرا بر مبنای «اصل حلیت» هر کاری که دلیل بر حرمت آن وجود نداشته باشد، آن کار حلال محسوب می‌گردد. اما مشکل کار اینجاست که برخی فقها استعمال دخانیات را مصداق برخی از روایات خاص دانسته‌اند و معتقدند که هر چند در خصوص خود سیگار روایت معینی نداریم اما این عمل مصداق ضرر رساندن به خود است که در روایات حرام شناخته شده؛ به همین خاطر در خصوص حکم استفاده از سیگار و مانند آن می‌فرمایند چون سیگار و دیگر دخانیات ضرر «معتابه» برای انسان دارد حرام است.

داستان این «ضرر معتابه» چیست؟

بحث ضرر داشتن سیگار تازه اول ماجراست. زیرا یقیناً هر کار عادی حتی تکالیف شرعی هم به هر حال ضرری جزئی برای انسان دارند اما یقیناً آن ضررها حرام نیست و ممکن نیست بگوییم رفتن به حج و جهاد جایز نیست چون یقیناً ضررهایی را در پی دارد. یا استفاده از روغن مایع یا نمک و مانند آن حرام است چون ممکن است ضرری برای بدن داشته باشد؛ در نتیجه باید حدود و اندازه ضرر حرام را کاملاً تعیین نمود.
در جمع‌بندی این مسأله می‌توان گفت ضرری که در برابر انجام یک تکلیف الهی یا یک امر ضروری از نظر عقل یا شرع حاصل می‌شود هیچ اشکالی ندارد بلکه در مواردی تحمل این ضرر لازم است؛ اما اگر چنین فایده و هدفی در میان نبود تنها در صورتی می‌توان آن ضرر را مجاز شمرد که این ضرر در نزد عرف مردم و از نگاه